

روابط و مناسبات امت اسلامی در برخورد با سایر ملل و ادیان با تکیه بر سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

غفار شاهدی*

چکیده

این نوشتار درصدد است تا سبک زندگی امت اسلامی در ارتباط با ادیان دیگر در حوزه روابط و مناسبات را با تکیه بر سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، با هدف تبیین صحیح یکی از ابعاد سبک زندگی اسلامی و تصحیح نگرش‌های دیگران نسبت به امت اسلامی تحلیل نماید. برای نیل به این مقصود، با استفاده از روش تاریخی و توصیفی - تحلیلی، اصول کلی حاکم بر روابط مسلمانان با غیرمسلمانان از دیدگاه قرآن، برخورد پیامبر با اهل کتاب ذمی به ویژه یهودیان، سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به اهل کتاب معاهد و مهادن با توجه به پیمان‌ها و نامه‌های پیامبر و سرانجام، برخورد ایشان با اهل کتاب محارب مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد و اثبات گردد که سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و به تبع آن، مسلمانان با تمام پیروان ادیان دیگر مسالمت‌آمیز بوده و تنها در صورت تعرض خصمانه آنان، با عکس‌العمل دفاعی و قاطعانه پیامبر و مسلمانان مواجه می‌شد.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی، سیره، امت اسلامی، ملل، ادیان، مسالمت‌آمیز.

مقدمه

ادیان دیگر است و منظور از «ادیان دیگر»، اهل کتاب می‌باشند؛ یعنی کسانی که به دین اسلام معتقد نیستند و - به اصطلاح - کافرند، اما به یکی از ادیان توحیدی مانند یهودیت، مسیحیت و یا زرتشت اعتقاد دارند.

اهمیت و ضرورت مسئله زمانی روشن می‌شود که توجه داشته باشیم در جنگ نرم، یکی از راهبردهای اصلی دشمن، تغییر سبک زندگی مسلمانان است که متأسفانه بر اثر غفلت‌ها، موفقیت‌هایی نیز داشته است. به نظر می‌رسد برای جلوگیری از صدمات بیشتر، و ترمیم کاستی‌ها، نیاز به یک کار جهادی و انقلابی همه‌جانبه است.

در همین زمینه، در آستانه دهه پیشرفت و عدالت و در آغاز ورود به مرحله چهارم از مراحل پنج‌گانه انقلاب اسلامی (نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی)، رهبر فرزانه انقلاب، بحث تئوریک، انتقادی و دقیقی را با عنوان «سبک زندگی» مطرح نمودند. ایشان در جمع دانشجویان و جوانان خراسان شمالی در سال ۱۳۹۱ تمدن‌سازی نوین اسلامی را دارای دو بخش «ابزاری» و «حقیقی و اساسی» دانسته و یادآور شدند: بخش ابزاری یا سخت‌افزاری این تمدن، موضوعاتی است که در فضای امروز، به‌عنوان نموده‌های پیشرفت مطرح می‌شود؛ از قبیل علم، اختراع، اقتصاد، سیاست، اعتبار بین‌المللی و نظایر آن، که در این زمینه البته پیشرفت‌های خوبی داشته‌ایم؛ اما باید توجه کرد که این پیشرفت‌ها، وسایل و ابزاری است برای دستیابی به بخش حقیقی و نرم‌افزاری تمدن اسلامی؛ یعنی سبک و شیوه زندگی.

ورود ایشان به مسئله سبک زندگی، و دعوت ایشان از نخبگان و صاحبان فکر و اندیشه برای پرداختن به این مفهوم مهم و آسیب‌شناسی وضع موجود سبک زندگی در ایران و چاره‌جویی در این زمینه، بیانگر اهمیت و

تنظیم روابط امت اسلامی با ادیان و ملل دیگر و نوع تعامل با آنان در فرهنگ اسلامی همواره مورد توجه بوده است و این پرسش را به ذهن متبادر می‌کند که سبک زندگی امت اسلامی با ادیان و ملل دیگر چگونه باید باشد؟ از این‌رو، مسئله تحقیق حاضر این است که سبک زندگی امت اسلامی در ارتباط با ادیان دیگر در حوزه روابط و مناسبات با تکیه بر سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چگونه است؟

درباره سبک زندگی و سیره امت اسلامی با پیروان ادیان دیگر، باید بین دو حوزه پژوهش و بررسی آیین و ادیان آسمانی، و حوزه حقوق و روابط و مناسبات تفکیک قایل شد.

در حوزه اول باید تحقیق و بررسی کامل صورت گیرد تا بدون مسامحه و سهل‌انگاری حق مشخص شود. اما در حوزه دوم که حوزه حقوق و قوانین مدنی ادیان آسمانی و حوزه روابط و مناسبات با غیرمسلمانان است، باید با رعایت قانون و حقوق پیروان ادیان با آنان رفتار نیکو داشت و با مسامحه و سهل‌گیری برخورد نمود.

در تحقیق حاضر، سیره امت اسلامی با پیروان ادیان دیگر در حوزه دوم، یعنی حوزه حقوق و روابط و مناسبات، بررسی می‌شود.

مراد از «سبک زندگی»، هر چیزی است که متن و جوهره زندگی انسان را تشکیل می‌دهد؛ یعنی همان فرهنگی که مردم بر اساس آن زندگی می‌کنند که در امت اسلامی بر مبنای خدامحوری است؛ نظیر خانواده، آداب و رسوم ازدواج، نوع لباس، تفریحات، الگوی مصرف، کسب و کار و رفتارهای فردی و اجتماعی و هرچه که در اثر نگاه افراد به زندگی و تعریفشان از اهداف خود به‌وجود می‌آید.

مراد از «سیره» در این تحقیق، نوع رفتار عملی با پیروان

ضرورت آن است.

البته تبیین همه ابعاد سبک زندگی و تعیین راه‌های اصلاح آن، کار ساده‌ای نیست و نیاز به بررسی‌های کارشناسانه نخبگان دانشگاه، حوزه و سایر دستگاه‌های مربوطه دارد. این مهم، با مراجعه به سنت اسلامی که از آبخور و حی و قرآن و نهج البلاغه و روایات سیراب می‌شود، امکان‌پذیر خواهد بود.

یکی از حوزه‌هایی که در این زمینه باید مورد بررسی دقیق‌تری قرار گیرد سبک زندگی مسلمانان در برخورد با ملل و ادیان دیگر است. متأسفانه مستشرقان و به دنبال آن، سلطه‌طلبان جهانی، همواره بر آن بوده‌اند تا چهره‌ای خشن از مسلمانان ترسیم نموده و ملل دیگر را از امت اسلامی و تعامل با آنان بترسانند و شاید عدم تبیین صحیح سبک زندگی و سیره امت اسلامی با ادیان دیگر و ارائه آن به جهانیان، بهانه‌ای در دست این بازیگران جهانی داده باشد. مقاله حاضر برای جبران همین کاستی تدوین شده است.

هرچند پیشینه تاریخی این بحث طولانی است و در صدر اسلام نیز مطرح بوده و در آیات و روایات نیز به صورت پراکنده به آن اشاره گردیده و حتی کتاب‌های بسیاری نیز توسط اندیشمندان قدیم و جدید پیرامون آن نگاشته شده است، اما در این پژوهش‌ها و تحلیل‌ها، از توجه عمیق به ماهیت کفار و تفکیک اقسام آن و نیز جایگاه دین اسلام و مکتب شیعه در سنت و تاریخ و هویت جامعه ایرانی غفلت شده است. از این رو، در مقاله حاضر سعی شده است تا با تفکیک سیره مسلمانان با اقسام مختلف کفار با توجه به اصول اسلامی حاکم بر روابط با ملل و ادیان دیگر، این مسئله با استفاده از آیات و روایات و سیره پیامبر ﷺ به صورت عمیق‌تر و منسجم‌تری مورد بررسی قرار گیرد.

فرضیه تحقیق این است:

اولاً، روابط مسلمانان با ملل دیگر، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است و اسلام به آن توصیه می‌نماید. ثانیاً، سیره پیامبر اکرم ﷺ در برابر ملل دیگر، مادامی که تعرضی از جانب آنان متوجه امت اسلامی نشود بر اساس ارتباط مسالمت‌آمیز بود.

سؤال اصلی تحقیق این است: سبک زندگی اسلامی در ارتباط با ادیان دیگر چگونه است؟

سؤال‌های فرعی عبارتند از:

۱. اصول کلی حاکم بر روابط مسلمانان با غیرمسلمانان از دیدگاه قرآن، کدام‌اند؟

۲. برخورد پیامبر و مسلمانان با اهل کتاب ذمی به ویژه یهودیان، چگونه بود؟

۳. پیامبر اکرم و مسلمانان نسبت به اهل کتاب معاهد با توجه به پیمان‌ها و نامه‌های پیامبر ﷺ چه برخوردی داشته‌اند؟

۴. سیره پیامبر و مسلمانان نسبت به اهل کتاب مهان چگونه بود؟

۵. برخورد پیامبر و مسلمانان با اهل کتاب محارب چگونه بود؟

ساختار کلی تحقیق نیز بر اساس همین سؤالات فرعی تنظیم شده است؛ یعنی ابتدا اصول کلی حاکم بر روابط مسلمانان با غیرمسلمانان از دیدگاه قرآن، مطرح می‌گردد و سپس برخورد پیامبر با اهل کتاب ذمی و بعد اهل کتاب معاهد و مهان و سرانجام، برخورد ایشان با اهل کتاب محارب مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد.

اصول حاکم بر روابط امت اسلامی با ادیان دیگر

در این تحقیق سعی شده است سبک زندگی و سیره پیامبر اکرم ﷺ و امت اسلامی، در ارتباط با ادیان دیگر در حوزه حقوق و قوانین مدنی ادیان آسمانی یا همان حوزه روابط

مشترک می‌دانند، اساسی‌ترین محور روابط بین‌المللی را اشتراک در همبستگی و پیروی از خداوند می‌داند. بنابراین، همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگران در صورت تمایل آنها به همزیستی و برقراری ارتباط عادلانه، یک اصل می‌باشد.

۲. اصل رعایت ادب گفتاری در رابطه با ملل دیگر

خداوند متعال مسلمانان را از اهانت به اعتقادات و ارزش‌های غیرمسلمانان نهی می‌کند و متذکر می‌شود که پیامد چنین کاری چیزی جز بی‌احترامی به اعتقادات مسلمانان نخواهد بود؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾ (انعام: ۱۰۸)؛ هیچ‌گاه بت‌ها و معبودهای مشرکان را دشنام ندهید؛ زیرا این عمل سبب می‌شود که آنها نیز نسبت به ساحت قدس خداوند همین کار را از روی ظلم و ستم و جهل و نادانی انجام دهند. قرآن، اصول رعایت ادب در گفتار را نسبت به خرافاتی‌ترین ادیان لازم می‌داند، بخصوص اگر هدف، برقراری ارتباط بین‌المللی برای دعوت به پیروی از خداوند و رعایت عدالت در مورد مظلومان و محرومان باشد. خداوند به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد که با حکمت و برهان و جدل احسن با مخالفان به مذاکره بپردازد و آنان را دعوت به پذیرش حق نماید: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (نحل: ۱۲۵)؛ به وسیله حکمت، به سوی راه پروردگارت دعوت کن و به وسیله اندرزه‌های نیکو و به طریقی که نیکوتر است به مناظره بپرداز. مراد از حکمت در آیه شریفه این است که هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای در آن وجود ندارد و «موعظه نیکو»، بیانی است که بر قلب و نفس مخاطب اثر می‌گذارد و آن را مستعد دریافت پیام می‌کند؛ زیرا موعظه‌کننده آنچه را در

و مناسبات با غیرمسلمانان تبیین و تحلیل شود. از آن‌رو که سیره امت اسلامی و پیامبر اکرم برگرفته از قرآن است، ابتدا اصول کلی حاکم بر روابط با غیرمسلمانان را از دیدگاه قرآن بیان نموده، سپس به بررسی سبک زندگی و سیره امت اسلامی با پیروان ادیان دیگر در حوزه حقوق و روابط و مناسبات خواهیم پرداخت.

اصول متعددی را در این زمینه می‌توان از قرآن استخراج نمود که در ذیل، به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱. اصل برقراری ارتباط با ملل دیگر بر اساس

صلح

اصل اولیه در اسلام، برقراری ارتباط با ملل غیراسلامی براساس صلح و زندگی مسالمت‌آمیز با ایشان است. اسلام، برای تحقق بخشیدن و گسترش صلح در میان ملت‌ها و جلوگیری از بروز روابط خصمانه، ملت‌ها و دولت‌های دیگر را به انعقاد پیمان‌های صلح دعوت می‌نماید. آیات متعددی بر این نکته تأکید دارند. برای نمونه، در آیه‌ای می‌فرماید: ﴿وَإِن جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ﴾ (انفال: ۶۱)؛ اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح درآی؛ و بر خدا توکل کن، که او شنوا و داناست. در آیه‌ای دیگر نیز می‌فرماید: ﴿ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَأَفْئَةٍ﴾ (بقره: ۲۰۸)؛ همگی در صلح و آشتی درآیید. از دیدگاه قرآن، برای تحقق این هدف باید بر اشتراکات تأکید نمود. برای نمونه، در مورد ارتباط با اهل کتاب، به پیامبر دستور می‌دهد: «بگو ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما مشترک است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را غیر از خداوند یگانه به خدایی نپذیرد» (آل عمران: ۶۴). قرآن برخلاف روابط غیراسلامی که اساس روابط را بر اشتراکات قومی، نژادی یا سرزمین

۴. اصل برتری و عزت اسلام در روابط با ملل دیگر از دیدگاه قرآن، اصل مسلم در رابطه مسلمانان با غیرمسلمانان، اصل برقراری ارتباط بر اساس برتری و عزت اسلام است؛ یعنی هرگونه رابطه بین مسلمانان و کفار، که موجب نفوذ و گسترش سلطه کافران بر مسلمانان شود، حرام است و قرآن آن را جایز نمی‌داند. دلیل آن نیز قاعده «نفی سبیل» است که برگرفته از آیات قرآنی زیر است:

۱. ﴿... وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (نساء: ۱۴۱)؛ و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است.

۲. ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (منافقون: ۸)؛ عزت، از آن خدا و پیامبر و مؤمنان است، ولی منافقان نمی‌دانند.

در این آیه شریفه، به صراحت از عزت و سربلندی مسلمانان، سخن به میان آمده است و مفهوم آن این است که قرآن، مقررات و روابطی را که موجب ذلت مسلمانان شود امضا نخواهد کرد. این آیات حاکی از اهمیت عزت مسلمانان می‌باشد؛ مسئله‌ای که به هیچ عنوان با منافع ملی و مانند آن، قابل معاوضه و توجیه‌پذیر نخواهد بود.

اقسام اهل کتاب

بررسی سیره امت اسلامی با پیروان ادیان دیگر در حوزه حقوق و روابط و مناسبات را با بیان اقسام مهم‌ترین بخش غیرمسلمانان، یعنی اهل کتاب، ادامه می‌دهیم:

به‌طور کلی، اهل کتاب را می‌توان دست‌کم به چهار گروه تقسیم نمود:

۱. اهل کتاب ذمی: اقلیت غیرمسلمان که در قلمرو اسلامی زندگی کرده و از قوانین کشور اسلامی تبعیت می‌کنند و حکومت اسلامی از امنیت، ناموس، جان، مال و آبرو و خانواده آنها محافظت می‌کند و در ازای آن مالیاتی به نام

صلاح حال مخاطب است می‌خواهد. آنچه در مذاکرات دیپلماسی اسلام مهم می‌باشد استدلال بر اساس حکمت و موعظه حسن و مناظره احسن و نیکوتر می‌باشد، برخلاف روابط دیپلماسی غیرمسلمانان که در آن، از مجادله برای فریب دیگران استفاده می‌کنند. به دلیل اهمیت این قضیه است که خداوند متعال در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (عنکبوت: ۴۶)؛ و با اهل کتاب جز به [شیوه‌ای] که بهتر است، مجادله نکنید.

۳. اصل وفای به پیمان‌های سیاسی در روابط

بین‌الملل

یکی از اصول سیاست خارجی حکومت اسلامی در روابط با سایر دولت‌ها، اصل وفای به پیمان‌های سیاسی است. بر اساس این اصل، دولت اسلامی وظیفه دارد نسبت به کلیه معاهده‌ها و پیمان‌هایی که با جوامع دیگر منعقد نموده، تا زمانی که مدت آن پایان نرسیده، ملتزم باشد و هیچ‌گونه خدعه و نیرنگ را به کار نبرد. اصل معاهده از اساسی‌ترین اصولی است که کشور اسلامی، تحت هیچ شرایطی حق به هم زدن آن را ندارد، مگر اینکه طرف مقابل آن را نقض کند. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ (اسراء: ۳۴)؛ به عهدها وفا کنید! و در جایی دیگر می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ (مائده: ۱)؛ ای مؤمنان به پیمان‌هایی که بسته‌اید پایبند باشید. پیامبر ﷺ نیز در ایام حکومتشان پیمان‌های متعددی با مخالفان خود بستند و تا آخر به پیمان‌های خود پایبند ماندند، مگر اینکه مخالفان آن را نقض کردند.

اما در کنار این اصول، اصل مسلم دیگری به نام «اصل برتری و عزت اسلام در روابط با ملل دیگر» وجود دارد که بر همه این قواعد و اصول حاکم است.

با بررسی سیره پیامبر و آموزه‌های قرآنی، روشن می‌شود که التزام به رعایت حقوق مدنی اقلیت‌ها و اهتمام به حفظ حقوق اجتماعی و احترام به اموال و حقوق مالکانه اقلیت‌های دینی برای امت اسلامی و پیامبر ﷺ بسیار مهم بود. سیره شاگرد مکتب پیامبر، یعنی امیرالمؤمنین علی علیه السلام، در این زمینه، درس‌آموز است. «حضرت علی علیه السلام در دوران فرمان‌روایی خود، در راه خود به سوی کوفه، با مردی از اقلیت‌های مذهبی برخورد نمود و از آنجا که قسمتی از مسیر هر دو مشترک بود، توافق کردند که در مسیر مشترک با یکدیگر مصاحبت کنند. راه را به زودی با گفت‌وگو و مصاحبت دوستانه طی نموده و به سر دوراهی که باید از هم جدا می‌شدند رسیدند. لکن حضرت راه خود را به سویی که همسفرش می‌رفت ادامه داد. مرد با شگفتی تمام پرسید: مگر مقصد تو کوفه نیست؟ امام با کمال مهربانی پاسخ داد: آری، اما می‌خواهم مقداری تو را مشایعت کنم؛ زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هرگاه دو نفر در یک راه با یکدیگر مصاحبت کنند حقی بر یکدیگر پیدا می‌کنند. اکنون تو حقی بر من پیدا کردی من به خاطر این حق که برگردن من داری، می‌خواهم چند قدم تو را مشایعت کنم و بعد به راه خود خواهم رفت. مرد (یهودی یا مسیحی) با حالتی متقلب که گویی حقیقت را یافته است گفت: پیامبر شما که اینچنین نفوذ و قدرتی در میان مردم پیدا کرد و به این سرعت دینش در جهان رایج شد حتماً به علت همین اخلاق کریمه‌اش بوده است» (کلینی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۳۷).

در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قرارداد ذمه یا اتحاد ملی، یکی از راه‌هایی است که رابطه حقوقی بین جامعه اسلامی و اقلیت‌های شناخته‌شده را مشخص می‌کند و به موجب آن، مسئولیت‌های متقابل اکثریت مسلمان و اقلیت دینی شکل می‌گیرد.

«جزیه» (مالیات سرانه سالانه) از آنها می‌گیرد که همان پاداش دفاع از حقوق آنان است (ر.ک: مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۳۵۵).

البته مسلمانان تا آن زمان عهده‌دار تأمین نیازهای یادشده کفار ذمی هستند که کافران به شرایط ذمه عمل کنند و مالیات ویژه‌ای را که تحت عنوان «جزیه» به بیت‌المال مسلمانان می‌پردازند، قطع نکنند.

۲. **اهل کتاب معاهد:** غیرمسلمانانی که با کشور و دولت اسلامی عهد و پیمان و مناسبات دوستی (مانند پیمان‌های تجاری، فرهنگی و غیره) دارند و با یکدیگر سفیر مبادله می‌کنند و از طریق سازمان‌های بین‌المللی تعهداتی را می‌پذیرند و با یکدیگر در صلح و مسالمت به سر می‌برند.

۳. **اهل کتاب مهادن:** غیرمسلمانانی که با دولت اسلامی معاهداتی ندارند، اما نسبت به مسلمانان مزاحمت و ستیزی هم ندارند؛ دولت اسلامی با این گروه با رعایت اصول انسانی و اخلاقی رفتار می‌کند (عمیدزنجانی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۲۳۳).

اهل کتاب محارب: گروه‌ها و کشورهایی که غیرمسلمانند و با مسلمانان در جنگ و ستیزند و یا به پیمان‌شکنی و کارشکنی بر ضد حکومت اسلامی مشغولند. دولت اسلامی و مسلمانان در مقابل این گروه، هیچ‌گونه تعهدی ندارند.

در ادامه، سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امت اسلامی را در ارتباط با هر یک از چهار گروه به اختصار تبیین و تحلیل می‌نماییم:

۱. سیره امت اسلامی در برخورد با اهل کتاب ذمی

همان‌گونه که بیان شد، در این تحقیق سیره امت اسلامی را با پیروان ادیان دیگر با الگوگیری از سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

رهبر و مسئولیت‌های عموم مردم را روشن می‌کرد و نمونه کاملی از روح آزادی عقیده، رفاه اجتماعی، و لزوم همکاری در امور همگانی اسلام بود.

این پیمان عمومی که در ۱۵ قرن پیش منتشر شد، منشور مقدسی بود که بخشی از قانون اساسی حکومت پیامبر محسوب می‌شد و امروز نیز برای حل مشکلات اجتماعی، حقوقی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مسلمانان سودمند است.

ویژگی عمده این قانون اساسی، احترام به مخالفان و رسمیت بخشیدن به حقوق اقلیت‌های دینی است.

متن پیمان عمومی یا قانون اساسی پیامبر: متن پیمان عمومی که به «موادعه یهود» معروف است، توسط ابن‌هشام و ابوعبید در کتاب الاموال ذکر شده است. در ذیل، بخش‌هایی از آن را به نقل از ابن‌هشام بیان می‌کنیم: «بسم الله الرحمن الرحيم. این نوشته‌ای است که محمد (ص) بین مسلمانان قریش و یثرب و کسانی که به ایشان ملحق می‌شوند و به همراهشان جهاد می‌کنند. آنان ملتی واحد را تشکیل می‌دهند. مهاجرین در پرداخت دیه و فدیة بر آداب پیش از اسلام باقی‌اند و به نیکی و عدالت آن را می‌پردازند. بنی عوف، بنی ساعده، بنی حارث، بنی چشم، بنی نجار، بنی عمرو بن عوف، بنی نبیب و بنی اوس هم بر رسوم پیش از اسلام باقی‌اند... هر یهودی از ما پیروی کند یاری می‌شود و با دیگر مسلمانان مساوی است، بر او ستم نمی‌شود و دشمنش یاز نمی‌گردد...»

یهود هنگام جنگ همراه مسلمانان هزینه جنگی را می‌پردازند. یهود بنی عوف و بندگانشان با مسلمانان حکم یک ملت‌اند. یهودیان دین خود را دارند و مسلمانان دین خود را؛ اما هر که ستم کند، خود و خانواده‌اش را به هلاکت خواهد انداخت. برای یهودیان بنی‌نجار، بنی حارث، بنی ساعده، بنی چشم، بنی اوس، بنی ثعلبه،

دولت اسلامی موظف است با تمام امکانات و اقتدار خود، امنیت مالی، جانی و ناموسی اقلیت‌ها را حفظ و آزادی‌های لازم را برای آنان تضمین نماید و حتی بر دولت اسلامی واجب است که اگر اقلیت دینی با اختیار خود تصمیم به پذیرش قرارداد ذمه گرفت، از آن استقبال نموده و بپذیرد. جامعه اقلیت نیز به موجب مسئولیت متقابل، باید به قوانین اسلامی احترام گذاشته و در هزینه‌های تضمین امنیت داخلی و خارجی مشارکت نماید.

البته قرارداد ذمه با آزادی اراده و بدون اجبار و تحمیل، توسط اقلیت‌های دینی امضا می‌شود و آنان می‌توانند به جای امضای آن، به سرزمین دیگر مهاجرت نمایند و دولت اسلامی موظف است امنیت آنان را تا رسیدن به منطقه امن تأمین نموده و از آنان حمایت نماید. البته قرارداد ذمه تنها راه تنظیم روابط متقابل جامعه اسلامی و اقلیت‌های دینی نیست، بلکه علاوه بر قرارداد ذمه، راه دیگری که در برخورد با اقلیت غیرمسلمان وجود دارد، ایجاد اتحاد ملی و تشکیل ملت واحد از طرفین، براساس میثاق مشترک است که پیمان عمومی مدینه (قانون اساسی پیامبر) مؤید آن است.

برای تبیین بیشتر بحث، به سیره پیامبر اکرم ﷺ در برخورد با دو گروه از اقلیت‌های دینی، یعنی یهود و نصارا، به طور خاص اشاره می‌نماییم:

الف) برخورد پیامبر با یهودیان

پیامبر اکرم ﷺ پس از هجرت و ورود به مدینه، از جمله اقدامات مهمی که انجام داد تنظیم روابط متقابل جامعه اسلامی و اقلیت‌های دینی بود که تمام شهروندان دولت اسلامی اعم از مؤمنان، و اهل کتاب را شامل می‌شد. این امر در قالب پیمان عمومی مدینه به خوبی مطرح شده است. این قانون و پیمان عمومی، حدود و اختیارات

به‌طور کلی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دعوت اسلامی و الهی خود را به همه، از جمله یهودیان، ابلاغ می‌نمود، اما هیچ‌گاه آنان را به ترک دین و عقاید خود مجبور نکرد. برای مثال، پیامبر به مدارس و دیگر مکان‌های متعلق به یهودیان احترام می‌کرد و متعرض فعالیت‌های تبلیغی و عملی آنان نمی‌شد و گاهی در مدارس یهودیان حاضر می‌شد و با «جدال احسن» با آنان بحث می‌کرد. آن حضرت از زبان الحاد و تکفیر و تحقیر ادیان آنان استفاده نمی‌کرد و حتی در مقابل پیمان‌شکنی‌های آنان، در مجازاتشان حد اعتدال را رعایت، و بسیار ملایم‌تر از مردم قریش و دیگر قبایل با آنها برخورد می‌نمود.

(ب) برخورد پیامبر با نصارا

موضع مسیحیان در برابر اسلام نسبت به مشرکان و یهود نرم‌تر بود. مسیحیان جزیره‌العرب، برخی شیفته‌ی اسلام شده و آن را پذیرفتند و برخی همچنان مسیحی ماندند، اما هیچ‌گاه از سوی پیامبر مجبور به تغییر عقیده، و پذیرش اسلام نشدند و موضع پیامبر نسبت به آنان همواره همراه با عطف و ملایمت بود. از این رو، وقتی به سران مسیحی، از جمله نجاشی، نامه می‌فرستد، از حضرت مسیح و مادرش مریم به نیکی یاد می‌کند و در آخر نامه به نجاشی، خیرخواهانه می‌گوید: «همانا من تو را به سوی خدای بزرگ می‌خوانم و من ابلاغ رسالت نموده و تو را نصیحت کردم؛ پس اندرز مرا بپذیر، درود بر پیروان هدایت باد» (ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۹۵).

قبایل و دسته‌های مختلف مسیحی در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله، از حمایت او و مسلمانان برخوردار بودند و مسلمانان براساس پیمان صلحی که با مسیحیان بسته بودند از منافع و حقوق آنان حمایت می‌کردند. برای نمونه، پس از آنکه مسیحیان نجران از مباحله با پیامبر

جفنة بنی ثعلبه و بنی شطیبه همان حقوق بنی عوف ثابت است. نزدیکان ایشان هم از این مزایا برخوردارند... یهود اوس و موالی‌شان نیز از این حقوق برخوردارند» (ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۰۱).

این قرار داد همان‌گونه که از متن آن استفاده می‌شود، بین مهاجران و قبایل مسلمان و یهودی انصار بسته شده است؛ یهودیانی از انصار که بومی مدینه و عرب بودند و در تماس با یهودیان مهاجر یهودی شده بودند. یعقوبی درباره‌ی این گروه می‌گوید: «گروهی از اوس و خزرج به خاطر همسایگی با یهود، آیین یهود را برگزیدند» (یعقوبی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۷).

اما این قرارداد، تمام غیرمسلمانان اعم از یهودی و غیر یهودی را شامل می‌شد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علاوه بر پیمان عمومی، قراردادی نیز با یهودیان مهاجر مدینه، یعنی با یهودیان بنی قریظه و بنی نضیر و بنی قینقاع، امضا نمودند مبنی بر اینکه یهودیان هرگز به ضرر رسول خدا و یاران وی قدمی برندارند - که بحث آن خواهد آمد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با امضای قراردادهای مذکور، ثابت کردند که طرفدار صلح و زندگی مسالمت‌آمیز با اقلیت‌های دینی هستند.

یهودیان نیز در کنار پیامبر و مسلمانان، آزادانه به داد و ستد پرداخته و کالاهای خود را در بازار مسلمانان به فروش می‌رساندند و در تجارت و داد و ستد و فعالیت‌های اجتماعی و مذهبی آزاد بودند. «پیامبر اسلام نیز شخصاً در مراسم اجتماعی آنان شرکت می‌کرد. و از آنان قرض می‌گرفت و به عیادت بیمارانشان می‌رفت و در مراسم تشییع جنازه یهودیان شرکت و با آنان ابراز همدردی می‌نمود و مانند یک فرد عادی با آنان معامله می‌کرد» (کریمی‌نیا، ۱۳۸۵).

به‌ویژه اهل کتاب و استقلال داخلی آنان احترام می‌گذاشتند و با وجود جهانی بودن دین اسلام، موجودیت قبایل، ملت‌ها و ادیان دیگر را حفظ می‌کردند. دلیل این ادعا، پیمان‌نامه‌هایی است که پیامبر با ملت‌های مختلف از اهل کتاب امضا نموده‌اند. در تمامی این موارد، تا هنگامی که ملت‌های غیرمسلمان به پیمان خود وفادار بودند، پیامبر نیز آن را محترم شمرده و آن را نقص نمی‌کرد؛ چون نقص پیمان از گناهان بزرگ است.

یکی از محققان در این باره می‌نویسد: «در اندیشه سیاسی اسلام، صلح و همزیستی به‌عنوان اساسی‌ترین اصل در مناسبات بین‌المللی منظور گردیده و به همین دلیل، در حقوق اسلامی بهره‌برداری از فرصت‌های مناسب برای تحکیم و برقراری شرایط و پیمان‌های صلح در روابط خارجی جامعه اسلامی پیش‌بینی شده است. اسلام برای تحقق بخشیدن و گسترش حالت صلح در میان ملت‌ها و جلوگیری از بروز روابط خصمانه و درگیری‌های خونین، نه تنها برای قراردادهای و معاهدات بین‌المللی ارزش حقوقی فوق‌العاده قایل شده، بلکه اصولاً ملت‌ها و گروه‌های دیگر را نیز برای انعقاد پیمان‌های صلح دعوت کرده و به جامعه اسلامی توصیه نموده است که در این زمینه همواره پیش‌قدم باشند» (عمیدزنجانی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۵۰۵).

پیامبر اکرم ﷺ تمایل داشت با انعقاد پیمان‌ها و تأکید به همه در لزوم وفای به قراردادهای، زمینه تیرگی روابط و فلسفه جنگ و ستیز از بین برود. ایشان حتی پیش از بعثت بر اصل تنظیم روابط عادلانه میان قبایل، بر پایه پیمان اصرار می‌ورزید و مکرر می‌فرمودند: «... من در خانه عبدالله بن جدعان در جاهلیت شاهد بستن پیمان مشترک جهت حمایت از مظلومان، میان نمایندگان قبایل مختلف عرب بودم... اگر در اسلام به چنین پیمانی دعوت شوم فوراً اجابت خواهم کرد» (همان، ص ۵۰۳).

مأیوس شدند، صلح‌نامه‌ای با پیامبر امضا کردند. براساس این صلح‌نامه، آنان در برابر پرداخت مالیات، در انجام دستورات آیین خود از آزادی برخوردار بودند. در فرازی از این صلح‌نامه آمده است: «مردم مسیحی نجران و حاشیه آن در سایه خداوند و ذمه محمد، پیامبر خدا، هستند که دارایی، جان، دین، افراد غایب و حاضر، خانواده آنان و تجارت و آنچه از کم یا زیاد در اختیار دارند، همه محفوظ و در امان است. هیچ اسقف یا راهب یا کاهنی از آنان، از مقام خود عزل نمی‌شود و به آنان اهانتی نخواهد شد» (فاروق حماده، ۱۹۹۷م، ص ۱۴۷).

از این صلح‌نامه استفاده می‌شود که حکومت اسلامی پیامبر از ضعف مخالفان سوءاستفاده نمی‌کرد تا به آنان زور بگوید، بلکه در تمام لحظات روح مسالمت‌آمیز، دادگری و اصول انسانی را در نظر می‌گرفت.

خلاصه اینکه سیره پیامبر ﷺ در برخورد با اهل کتاب ذمی، بخصوص یهود و نصارا، صلح‌جویانه و انسانی بود و بارها در دستورالعمل‌های حکومتی خود، از فرمانداران و استانداران خود می‌خواست که نسبت به یهود و نصارا مانند مسلمانان برخورد کنند.

برای نمونه، پیامبر اکرم ﷺ در یک دستورالعمل به عمرو بن حزم که او را به یمن فرستاد تا مردم را به تعالیم اسلام فراخواند، نوشت: «هر یهودی و یا نصرانی که مسلمان شود و اسلام پاک و خالصی اظهار نماید، از جمله گروه مؤمنان و مسلمانان است؛ هر آنچه مسلمانان دارند شامل او نیز می‌شود... و هر که در یهودیت یا نصرانیت خود باقی بماند هرگز مجبور به ترک دین خود نمی‌شود» (کریمی‌نیا، ۱۳۸۵).

۲. سیره امت اسلامی در برخورد با اهل کتاب معاهد

امت اسلامی به تأسی از پیامبر اکرم ﷺ، به ملیت‌ها

نمونه‌هایی از پیمان صلح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با اهل

کتاب معاهد

در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تعداد زیادی از پیمان‌های صلح و همکاری با اهل کتاب معاهد دیده می‌شود که در اینجا تنها به چند نمونه آن اشاره می‌شود:

۱. **پیمان با رئیس مسیحیان ایلا:** در این پیمان آمده است: «بسم الله الرحمن الرحیم، این تضمینی است از طرف خدا و محمد پیامبر خدا به یوحنا بن رعبه و مردم ایلا. به موجب این پیمان، کشتی‌ها و وسایل نقلیه، در خشکی و دریا تحت حمایت و امان خدا و محمد پیامبر خدا هستند و تمام کسانی که همراهشان هستند، چه از شام و چه از یمن، در امان‌اند... بر مردم ایلا حرام است که مانع آب شوند و یا سد طریق نمایند» (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۹۷۴).

۲. **پیمان عدم تجاوز با یهودیان مهاجر مدینه:** یهودیان مدینه که از جمله اقلیت‌های دینی پیامبر بودند به دو دسته تقسیم می‌شدند:

دسته اول: یهودیان انصار، از قبایل بومی اوس و خزرج، که در تماس با یهودیان مهاجر یهودی شده بودند.

دسته دوم: یهودیان مهاجر که از مناطق شامات به مدینه هجرت نموده و منتظر پیامبر موعود بودند و شامل سه قبیله بنی قینقاع، بنی نضیر و بنی قریظه می‌شدند که در اطراف مدینه ساکن بودند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ابتدا یهودیان انصار را از طریق پیمان عمومی مدینه با خود متحد ساخت و سپس پیمان دیگری با یهودیان مهاجر که پیمان عمومی را امضا نکرده بودند منعقد نمود که خلاصه آن، بنا بر نقل طبرسی در *اعلام‌الوری* چنین است: یهودیان مهاجر نزد پیامبر آمده و گفتند: «اکنون آمده‌ایم با تو صلح کنیم که به سود یا زیان تو نباشیم و کسی را علیه تو یاری نکنیم و متعرض یارانت نشویم. تو هم متعرض ما و دوستانمان نشوی، تا ببینیم کار تو و قومت به

کجا می‌انجامد. پیامبر پذیرفت و میان آنان قراردادی نوشته شد که یهود نباید علیه پیامبر یا یکی از یارانش با زبان، دست، اسلحه، مرکب اقدامی انجام دهد و خداوند بر این پیمان گواه است» (طبرسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۵۷).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هیچ‌گاه پیمان‌های خود را نقض نکرد و تا زمانی که پیمان شکنی از طرف مقابل صورت نمی‌گرفت به آن احترام می‌گذاشت. هرچند یهودیان انصار به دلیل اوس و خزرجی بودنشان کمترین تنش‌ها را با مسلمانان داشتند و کم‌کم اسلام آوردند، اما یهودیان مهاجر به دلایل مختلف از همکاری و همراهی با مسلمانان سر باز زدند و به تضعیف روحیه مسلمانان پرداختند و به نقض پیمان رو آورده و پنهان و آشکار با دشمنان پیامبر همکاری کردند. ولی مسلمانان به دستور پیامبر در برابر اقدامات یهودیان هیچ‌گونه تعرضی به آنان نمی‌کردند و همواره در حفظ صلح و امنیت مدینه می‌کوشیدند و اعمال و رفتار تحریک‌آمیز یهودیان را نادیده می‌گرفتند و از نفاقشان چشم می‌پوشیدند و آنان را با مسلمانان برابر می‌گرفتند.

در مجموع، رفتار مسالمت‌آمیز پیامبر و امت اسلامی با اهل کتاب معاهد باعث شد تا افراد، گروه‌ها و هیأت‌های مذهبی فراوانی آزادانه به مدینه مهاجرت نمایند.

برای نمونه، برخی از این هیأت‌ها به نمایندگی از پادشاه حبشه و شاهان حمیر به مدینه اعزام شده بودند و آزادانه به تفحص و گفت‌وگو می‌پرداختند و گروهی نیز آزادانه مسلمان شدند. حتی شخص پیامبر نیز وقتی مسیحیان به دیدنش می‌آمدند ردایش را می‌گسترده و ایشان را بر آن می‌نشانند و با کمال تواضع، خانه‌ای در مدینه برای پذیرایی از میهمانان اختصاص داد و برخی از این میهمان‌ها با سفارش پیامبر در منزل بعضی از اصحاب پذیرایی می‌شدند.

ج. نامه به پادشاه حبشه: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. نامه‌ای است از محمد پیامبر خدا به نجاشی زمامدار حبشه. درود بر شما. من خدایی را که جز او خدایی نیست ستایش می‌کنم... گواهی می‌دهم که عیسی فرزند مریم روحی از جانب خدا و کلمه‌ای است که در رحم مریم زاهد و پاکدامن قرار گرفته است... من تو را به سوی خدای یگانه که شریک ندارد دعوت می‌کنم... ایمان به خدایی آورید که مرا به رسالت خود مبعوث فرمود...» (ابن سعد، ۱۹۵۷م، ج ۱، ص ۲۵۹).

از مجموع نامه‌های پیامبر به سران کشورهای روشن می‌شود که اسلام از همان آغاز، فکر همزیستی مسالمت‌آمیز با پیروان ادیان الهی را مطرح ساخته است. از این رو، در نامه‌های مذکور، بر روی دعوت به توحید، که نقطه اشتراک تمام ادیان است، تأکید بیشتری شده است؛ زیرا در اسلام، اصالت با صلح و استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز و دعوت به اصول مشترک است.

و فلسفه جهاد در اسلام نیز برای کسب آزادی و برداشتن موانع دعوت منطقی به اسلام و جلوگیری از نقض پیمان‌هاست که متوجه ستمگران و ظالمان است نه ملت‌ها و مردم. از این رو، تا زمانی که زمام‌داران غیرمسلمان تعرضی به پیامبر و اسلام نداشته و پیمان شکنی نمی‌کردند تعرضی به آنها صورت نمی‌گرفت (ر.ک: حج: ۳۹-۴۱؛ بقره: ۱۹۰-۱۹۲؛ نساء: ۷۵؛ توبه: ۳۶).

۴. سیره امت اسلامی در برخورد با اهل کتاب محارب

در میان اهل کتاب محارب، یهودیان بیشترین برخورد را با پیامبر اکرم ﷺ داشته‌اند. پیامبر ﷺ در آغاز هجرت خود به مدینه در راستای سیاست صلح جویانه خود با یهودیان مدینه که در اطراف شهر زندگی می‌کردند پیمان

۳. سیره امت اسلامی در برخورد با اهل کتاب مهادن پیامبر اکرم ﷺ خواستار تحقق شرایطی بود که ملت‌ها بتوانند در انتخاب مکتب و جهان‌بینی خاص خویش تصمیم بگیرند و در صورت روشن شدن حق، آزادانه عقیده توحیدی را بپذیرند. لازمه این رسالت آن بود که قدرت‌های سلب‌کننده آزادی ملت‌ها که در حقیقت، مانع تحقیق و گرایش به آیین الهی می‌شوند از سر راه کنار بروند. از این رو، پیامبر اکرم ﷺ به سران دولت‌های معاصر خود، نامه می‌نویسد و آنان را به قبول آیین اسلام توصیه می‌کند تا با اسلام آوردن آنها، مردم سرزمین آنها نیز اسلام بیاورند. حضرت همچنین در این نامه‌ها، نتیجه سرپیچی از این دعوت الهی را مجازات اخروی اعلام می‌کند.

در اینجا به نمونه‌هایی از نامه‌های پیامبر اکرم ﷺ به زمام‌داران اشاره می‌نماییم:

الف. نامه به قیصر روم: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. از محمد فرزند عبدالله، به هرقل بزرگ و پادشاه روم. درود بر آنان که پیروی از حق کنند. تو را به اسلام دعوت می‌کنم. اسلام آور تا در امان و سلامت باشی... اگر از آیین اسلام روی گردانی، گناه اریسیان - نژاد رومی و جمعیت کارگران - نیز با تو خواهد بود. ای اهل کتاب! ما شما را به یک اصل مشترک دعوت می‌کنیم که غیر از خدا را نپرستیم، کسی را شریک او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به خدایی نپذیرد...» (احمدی میانجی، بی تا، ج ۱، ص ۹۷).

ب. نامه به زمامدار مصر: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. از محمد فرزند عبدالله، به مقوقس، بزرگ قبطیان. درود بر پیروان حق باد و من تو را اسلام دعوت می‌کنم. اسلام را بپذیر تا سالم بمانی... اگر از قانون اسلام سر باز زنی، گناه قبطیان بر تو خواهد بود. ای اهل کتاب! ما شما را به یک اصل مشترک دعوت می‌کنیم که غیر از خداوند یگانه را نپرستیم...» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۴۵۲).

نتیجه‌گیری

غیرمسلمانانی که در برابر مسلمانان قرار دارند عمدتاً شامل کفار ذمی، معاهد، مهادن و محارب می‌شوند. سبک زندگی و سیره امت اسلامی در حوزه روابط و مناسبات با اهل کتاب ذمی همراه با مسامحه و دعوت به همکاری و احترام متقابل است.

چنانچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز پس از هجرت از مکه به مدینه، و پس از تشکیل حکومت اسلامی، در اولین اقدام با تدوین نخستین قانون اساسی و پیمان عمومی با اهل کتاب ذمی، آنان را به زندگی مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر دعوت نمودند و در کنار آن با قرارداد جزیه، اهل کتابی را که در قلمرو اسلامی زندگی می‌کردند در حمایت محافظت خود قرار داده و به عقاید آنان احترام گذاشتند. سیره امت اسلامی با کفار معاهد نیز بر اساس صلح با حفظ عزت و حکمت و مصلحت است. چنانچه پیامبر صلی الله علیه و آله در کنار پیمان صلح و همکاری، هیچ‌گاه آنان را مجبور به پذیرش اسلام نکردند. به گونه‌ای که همین برخورد مسالمت‌آمیز موجب شد تا افراد و گروه‌های زیادی به مدینه سفر کرده و پس از آشنایی با اسلام شیفته آن شده و برخی از آنان مسلمان شوند.

سیره امت اسلامی با کفار مهادن نیز بر اساس صلح و عدم تعرض بود. پیمان‌های صلح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با یهودیان مهاجر مدینه و مسیحیان مناطق مختلف و نیز نامه‌هایی که پیامبر برای سران کشورهای ایران، روم، مصر، حبشه و غیره فرستاد مؤید این ادعاست. بنابراین، تا زمانی که پیروان ادیان دیگر تعرضی به مسلمانان و پیامبر نمی‌کردند اقدامی علیه آنان انجام نمی‌گرفت و حتی گاهی با مسامحه از کارشکنی‌های آنان صرف‌نظر می‌شد. اما برخورد مسلمانان با اهل کتاب محارب به گونه‌ای دیگر است؛ زیرا بر اساس اصل عدم ذلت و

عدم تجاوز امضا نمود. این گروه که شامل یهودیان بنی‌قینقاع، بنی‌نضیر و بنی‌قریظه می‌شدند، پس از دو سال مجادله و ایجاد شک و تردید و احیاناً آهانت زبانی (جنگ سرد) که با رأفت و بردباری پیامبر همراه بود، سرانجام به جنگ مسلحانه روی آوردند و نقض پیمان کردند.

ابتدا قبیله بنی‌قینقاع با نقض پیمان خود، مسلمانی را در بازار یشرب به قتل رساندند و پیامبر در مقابل این عمل یهودیان، ضمن خودداری از پیکار نظامی، آنان را وادار کردند تا با تحویل سلاح، سرزمین مدینه را ترک کنند.

یهودیان بنی‌نضیر نقشه قتل پیامبر را ریخته و تصمیم گرفتند تا با پرتاب سنگ بزرگی از بالا، به حیات پیامبر خاتمه دهند، اما خداوند او را آگاه ساخت و پیامبر با محاصره قلعه بنی‌نضیر، دستور دادند تا یهودیان با تحویل سلاح به همراه اموال منقول خود مدینه را ترک کنند.

یهودیان بنی‌قریظه هم در جنگ احزاب برخلاف پیمان صلح، با مشرکان مکه همکاری نمودند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از جنگ احزاب، دژ بنی‌قریظه را محاصره و با داوری سعد بن معاذ که توسط یهودیان پذیرفته شده بود، مردان آنان را اعدام و اموال آنان را مصادره کرد.

قبیله بنی‌قریظه بارها رأفت پیامبر را تجربه کرده بودند، اما بردباری پیامبر هم حد و اندازه‌ای داشت و نمی‌توانست مصلحت اسلام و امت اسلامی را دستخوش مسائل عاطفی نماید.

در چنین شرایطی، سیره پیامبر و امت اسلامی در برخورد با محاربان، برخورد دفاعی بوده و پیامبر مجبور بود برای دفاع از حق، با پیمان‌شکنان برخورد انقلابی نماید، وگرنه تا زمانی که تعرضی از جانب آنان علیه پیامبر و امت اسلامی صورت نمی‌گرفت با برخورد صلح‌جویانه و مسالمت‌آمیز پیامبر و مسلمانان مواجه بودند.

منابع

- ابن سعد، محمد (۱۹۵۷م)، *الطبقات الكبرى*، بیروت، دار صادر و دار بیروت.
- ابن هشام (بی تا)، *السيرة النبويه*، بیروت، دارالمعرفه.
- احمدی میانجی، علی (بی تا)، *مکاتیب الرسول*، تهران، یس.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۱۷ق)، *اعلام الوری*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۷۳)، *فقه سیاسی*، ج دوم، تهران، امیرکبیر.
- فاروق حماده (۱۹۹۷م)، *التشريع الدولي فی الاسلام*، مراکش، کلبه الادب والعلوم الانسانيه بالرباط.
- کریمی نیا، محمد مهدی، «سیره و رفتار مسالمت‌آمیز پیامبر اعظم با غیرمسلمانان» (تابستان ۱۳۸۵)، *میقات*، ش ۵۶، ص ۱۰۵-۸۶.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۴)، *اصول کافی*، ترجمه و شرح سیدجواد مصطفوی، تهران، نور.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۲)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- یعقوبی، احمد بن یعقوب (۱۴۱۳ق)، *تاریخ یعقوبی*، تحقیق مهنا، بیروت، مؤسسه‌الاعلمی.

ظلم‌پذیری و اصل عدم پذیرش سلطه کفار، باید در برابر محاربان با شدت برخورد کرد و از مسلمانان و کیان اسلام دفاع نمود، هرچند پیامبر اکرم ﷺ در مقابل آزارهای کفار محارب تا مجبور نمی‌شدند با آنان برخورد شدید نمی‌کردند. ولی به‌خاطر کارشکنی‌های بیش از حد و سوءاستفاده آنان از سعه صدر پیامبر و مسلمانان، سرانجام با آنان درگیر می‌شدند که این برخورد نیز کاملاً دفاعی بود.

بنابراین سبک زندگی و سیره امت اسلامی و پیامبر اکرم ﷺ در حوزه روابط و مناسبات با اهل کتاب غیرمحارب همراه با مسامحه و دعوت به همکاری و صلح بود؛ یعنی برقراری صلح و زندگی مسالمت‌آمیز با دیگر ملت‌ها از اصول اسلامی در روابط بین‌المللی می‌باشد و این ارتباط بین‌المللی زمانی برقرار خواهد شد که برقرارکنندگان ارتباط، به ارزش‌های طرف مقابل اهانت نکنند و با حکمت و برهان و جدال احسن به مذاکره بپردازند و بر اشتراکات تکیه نمایند.